شکر کند عارف حق، کز همه بردیم سبق　　بر زبر هفت طبق، اختر رخشنده شدم

شُک	ر	کُ	نَد	عا	رِ	فِ	حق	کز	هَ	مِ	بُر	دی	م	سَ	بَق
بَر	زِ	بَ	رِ	هَف	ت	طَ	بَق	اَخ	تَ	رِ	رَخ	شَن	دِ	شُ	دَم

تشبیهات غزل:

بیت اوّل: دولت عشق (تشبیه فشرده)؛ عشق: مشبّه / دولت: مشبّه‌به

نکته: دولت پاینده شدم به ظاهر تشبیه است؛ اما ساختار تشبیهی ندارد و باید توجّه داشته باشیم که آن را تشبیه نگیریم؛ زیرا اساس در وجه‌شبه که سبب همانندگی مشبّه، به مشبّه‌به است، این است که صفت دائمی و همیشگی مشبّه‌به باشد؛ یعنی بتوان آن را در ساختار «هر ... است» قرار داد. مثل: لبِ لَعل: «لَعل» مشبّه‌به است و وجه‌شبه که سرخی است، صفت دائمی و بارز لعل است؛ پس می‌توانیم بگوییم: «هر لعلی قرمز (سرخ) است»؛ اما این قاعده در مورد «دولت پاینده» صدق نمی‌کند؛ زیرا هر دولتی پاینده و جاودان نیست؛ بنابراین عبارت «دولت پاینده شدم» تشبیه ندارد.

بیت دوم: زهرهٔ تابنده شدم (تشبیه گسترده)؛ ضمیر «م» در «شدم»: مشبّه / زهره: مشبّه‌به / تابنده: وجه‌شبه

بیت پنجم: ۱) چشمهٔ خورشید (تشبیه فشرده) خورشید: مشبّه / چشمه: مشبّه‌به. ۲) سایه‌گه بید منم (تشبیه فشردهٔ غیر ترکیبی یا اسنادی)؛ من: مشبّه / سایه‌گه بید: مشبّه‌به. ۳) چشمهٔ خورشید تویی (تشبیه فشردهٔ غیر ترکیبی یا اسنادی)، تو: مشبّه / چشمهٔ خورشید: مشبّه‌به.

بیت ششم: چرخ فلک: تشبیه فشرده؛ فلک: مشبّه / چرخ: مشبّه‌به

بیت هفتم: اختر رخشنده شدم: تشبیه گسترده؛ شناسهٔ «م» در «شدم»: مشبّه / اختر: مشبّه‌به / رخشنده: وجه‌شبه

کاربرد آرایه‌های دیگر از قبیل: تضاد ← بیت اوّل (مرده و زنده) / جناس ← بیت دوم (سیر و شیر) و بیت ششم (مَلِک - مُلک - مَلَک)

فصل ۲

درس ۴: سبک عراقی

سبک‌شناسی قرن‌های هفتم، هشتم و نهم

مفاهیم آموزشی

ویژگی‌های شعر در سبک عراقی

۱- قلمرو زبانی: چهارچوب زبان همان چهارچوب زبان سبک خراسانی است؛ امّا لغات فارسی اصیل قدیم، کم شد و لغات عربی جایگزین آن گردید و با هم آمیخته شدند. نشانهٔ استمرار «می» در افعال جای «همی» را گرفت و به جای «اندر»، «در» جایگزین شد. آوردن حرف نشانهٔ «مر» در کنار مفعول کم شد.

نکته: مهم‌ترین ویژگی زبانی سبک عراقی در هم آمیختگی مختصات نو و کهن است.

۲- قلمرو ادبی: کاربرد قالب غزل بیشتر شد و جایگاه «تخلّص» در انتهای آن تثبیت گردید. به علوم بیان و بدیع توجّه بیشتری شده و اوزان شعری نیز نرم و آهنگین‌تر شده است؛ همچنین شعر از دربار بیرون آمد، قصیده از رونق افتاد و غزل عارفانه و عاشقانه رواج یافت.

۳- قلمرو فکری: گرایش به درون‌گرایی و مسائل ذهنی، والا شدن مقام معشوق، توجّه به امور اخروی و در نتیجه رواج تصوّف، پرهیز از زهد ریایی، برتری عشق بر عقل، رواج اندیشه‌هایی مثل بی‌اعتباری دنیا و اعتقاد به قضا و قدر، توجّه به صفا و پالایش درون مفاهیم و اندیشه‌های شعر این دوره به‌شمار می‌روند.

مقایسهٔ ویژگی‌های زبانی سبک خراسانی و عراقی

خراسانی	عراقی
کمی لغات عربی و بیگانه	کثرت لغات و ترکیبات عربی
کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات	وفور ترکیبات نو
سادگی زبان شعر	کاسته شدن از سادگی و روانی شعر

@KonkurVIPBook

مقایسهٔ ویژگی‌های ادبی سبک خراسانی و عراقی

خراسانی	عراقی
قالب عمدهٔ شعر قصیده	قالب عمدهٔ شعر غزل و مثنوی
قافیه و ردیف بسیار ساده	قافیه و ردیف دشوار
استفاده از آرایه‌های ساده	توجّه بیشتر به آرایه‌های ادبی
توصیفات ساده و حسّی	توصیفات ذهنی و دشوار

مقایسهٔ ویژگی‌های فکری سبک خراسانی و عراقی

خراسانی	عراقی
ستایش خرد	ستایش عشق
شادی‌گرایی	غم‌گرایی
وصال	فراق
واقع‌گرایی (توجّه به دنیای بیرون)	ذهن‌گرایی (توجّه به دنیای درون)
رواج روحیهٔ پهلوانی و حماسی	رواج روحیهٔ عرفانی و اخلاقی
باور به اختیار و اراده	باور به قضا و قدر
معشوق زمینی	معشوق آسمانی
بازتاب اندک علوم در شعر	بازتاب بیشتر علوم در شعر

ویژگی‌های سبکی نثر این دوره در سه قلمرو

۱- قلمرو زبانی: الف) ساده‌نویسی جایگزین نثر فنی شد. (ملاحسین واعظ کاشفی، کلیله و دمنه را به زبان ساده برگرداند و آن را «انوار سهیلی» نامید.) ب) تاریخ‌نویسی به اسلوب ساده رواج یافت. («ظفرنامهٔ شامی» قدیمی‌ترین تاریخ نوشته‌شده دربارهٔ تیمور است که نثری ساده دارد.) پ) لغات ترکی و مغولی وارد زبان فارسی شد. (امیرعلی‌شیر نوایی، «محاکمة‌اللغتین» را به ترکی نوشت. ظهیرالدّین بابر هم «بابرنامه» را به ترکی نوشت.) ت) سستی و ضعف در ساخت دستوری جملات نثر به وجود آمد.

۲- قلمرو ادبی: ادیبان این دوره صنایع ادبی را به‌جای تعمّق و تفکّر به‌کار بردند و به کار بردن استعارات دور از ذهن و آوردن سجع‌های متوالی و بی‌روح در کتاب‌های مصنوع و متکلّف رواج یافت.

۳- قلمرو فکری: از نظر فکری به سبب از بین رفتن فضلا و کتابخانه‌ها، از صحّت مطالب کاسته شد و ضعف و انحطاط فکری این دوره را فراگرفت؛ به همین سبب تحقیق و تتبّع بین علما و ادبا سستی یافت و عرفا هم اصالت خود را از دست دادند و به درسی کردن عرفان پرداختند؛ بنابراین در این دوره کتاب عرفانی مهمی به نثر نوشته نشد.

خودارزیابی ۴۰

۱- شعر زیر را ... :

آن یکی آمد درِ یاری بزد — گفت یارش: «کیستی ای معتمد؟»
گفت من؛ گفتش «برو هنگام نیست» — بر چنین خوانی مقام خام نیست
خام را جز آتش هجر و فراق — کی پزد کی وارهاند از نفاق؟
رفت آن مسکین و سالی در سفر — در فراق دوست سوزید از شرر
پخته شد آن سوخته؛ پس بازگشت — باز گرد خانهٔ انباز گشت
حلقه زد بر در به صد ترس و ادب — تا بنجهد بی‌ادب لفظی ز لب
بانگ زد یارش که «بر در کیست آن؟» — گفت «بر در هم تویی ای دلستان»

مولوی

الف) دو مورد از ویژگی‌های زبانی ابیات بالا را بنویسید.

۱- به کار بردن واژگان عربی؛ مانند «معتمد، فراق، نفاق» ۲- درهم آمیختگی مختصات نو و کهن؛ مانند کاربرد «در» به جای «اندر»، کاربرد «می» به جای «همی»، کاربرد کلماتی چون «انباز» و استفاده از «باء» تأکید بر سر فعل منفی «بنجهد».

ب) ویژگی فکری حاکم بر شعر چیست؟ مولوی در این شعر ضمن ستایش عشق، روحیهٔ عرفانی و اخلاقی را در مخاطب تقویت می‌کند و به صفا و پالایش درون تأکید می‌کند و یادآور می‌شود که برای ترک خودبینی باید ریاضت کشید و رنج فراق دید تا «من» از میان برود (پرهیز از خودبینی) و «او» باقی بماند (فناء فی‌الله).

پ) دو مورد از ویژگی‌های ادبی شعر را بنویسید.

۱- استفاده از آرایه‌های علم بیان؛ مثل تشبیه (آتش هجر) و کنایه (پخته شد) و نیز به کاربردن متناقض نما در عبارت «پخته شد آن سوخته».

۲- بهره‌گیری از قالب مثنوی جهت ارائهٔ مضامین عارفانه به شکل داستانی

ت) بیت پایانی را تقطیع هجایی کنید و در جدول بنویسید:

بان	گ	زَد	یا	رَش	کِ	بَر	دَر	کی	س	تان
گُف	ت	بَر	دَر	هَم	تُ	یی	اِی	دِل	سِ	تان

۲- چرا در عصر ... . تاریخ‌نویسی از اوایل دورهٔ مغول به‌سبب توجّه آنها به اخبار و سرگذشت اجداد و نیاکان خود و شرح جنگ‌ها و فتوحات آنها شروع شده بود و در دورهٔ تیموری هم ادامه یافت. در تاریخ‌نویسی این دوره، توجّه به نثر ساده رواج یافت تا عامهٔ مردم هم بفهمند؛ امّا باید توجّه داشت که نثر سادهٔ این دوره فصیح و بلیغ نیست.

۳- ویژگی‌های زبانی ابیات ... :

چنین گفت رستم به آواز سخت — که ای شاه شادان دل و نیک‌بخت ... فردوسی

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد — یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد ... حافظ

زبان شعر فردوسی ساده اما زبان شعر حافظ قدری دشوار است. در شعر فردوسی، واژگان فارسی و کهن (مهجور) همچون «ایدر» به کار رفته؛ اما در شعر حافظ واژگان عربی و غیرساده (ترکیبات نو)، مثل «حزین، غمناک» مشاهده می‌شود و کلمات کهنه کمتر به کار رفته است؛ علاوه بر این، در شعر حافظ نوعی آمیختگی مختصات نو و کهن دیده می‌شود. زبان فردوسی حماسی و کوبنده است؛ ولی زبان حافظ نرم و لطیف و توأم با غم و اندوه است.

۴- یک مورد از ... .

آتش است آب دیدهٔ مظلوم — چون روان گشت، خشک و تر سوزد

تو چو شمعی از او هراسان باش — کاوّل، آتش ز شمع سر سوزد سیف فرغانی

ویژگی فکری: محتوای معنوی و اخلاقی، پند و اندرز و عبرت، توجّه به امور اخروی. در ابیات فوق، شاعر به مقولهٔ ظلم توجه دارد و هشدار می‌دهد که از اشک مظلوم باید هراسید. این مضمون همچنین برآمده از اوضاع سیاسی و اجتماعی این دوره است که به سبب حملهٔ مغول ایجاد شده است.

تشبیه گسترده: آتش است آب دیدهٔ مظلوم ... خشک و تر سوزد
(مشبّه‌به: آتش — مشبّه: آب دیدهٔ مظلوم — وجه شبه: خشک و تر سوزد)

تشبیه گسترده: تو چو شمعی ...
(مشبّه: تو — ادات تشبیه: چو — مشبّه‌به: شمعی ...)

۵- ویژگی‌های فکری متن ... .

بدان که شریعت، گفت انبیاست و طریقت، کرد انبیاست و حقیقت، دید انبیاست. سالک باید که اوّل از علم شریعت آنچه ما لابُدّ است، بیاموزد و یاد گیرد و آنگاه از عمل طریقت، آنچه ما لابُدّ است به جای آورد تا از انوار حقیقت به قدر سعی و کوشش وی روی نماید.

عزیزالدّین بن محمّد نسفی

متن از کتاب «انسان کامل» نوشتهٔ عزیزالدّین نسفی، از عرفای بزرگ قرن هفتم هجری، است. این کتاب در بیان مبانی عرفان و تصوف است و متن مذکور مربوط به مقدّمهٔ کتاب است که در آن به توضیح و تشریح اصطلاحات عرفانی شریعت، طریقت و حقیقت می‌پردازد. بنا به عقیدهٔ مؤلف، شرط رسیدن به حقیقت، آموختن شریعت و عمل به طریقت است و تا این دو صورت نگیرد، وصول به حقیقت برای سالک محقّق نمی‌گردد.

۶- پایه‌های آوایی را ... .

اگر جنگ خواهی و خون ریختن — بر این گونه سختی بر آویختن

ا	گر	جَن	گ	خا	هی	یُ	خون	ری	خ	تَن
بَ	رین	گو	نِ	سخ	تی	بَ	را	وی	خ	تَن

ارزشیابی مستمر

۱ نثر فنی در قرن هفتم ضعیف می‌شود و در قرن هشتم با سیطرهٔ تیموریان بر ایران از میان می‌رود. تا آنجا که نثر ..... در اکثر کتاب‌های این دوره جای نثر ..... را می‌گیرد. (۰/۵ نمره) (تهران- مدرسهٔ ایران سنجش- دی ۹۷)

۲ جدول زیر را کامل کنید. (با توجّه به ویژگی‌های فکری هر دو سبک) (۱/۲۵)

خراسانی	عراقی
.....	معشوق آسمانی
باور به اختیار و اراده	.....
رواج روحیهٔ پهلوانی و حماسی	.....
.....	ذهن‌گرایی
.....	فراق

۳ ✪ ویژگی‌های نثر قرن هفتم را در دو قلمرو ادبی و فکری بنویسید. (۲)

۴ هر کدام از ویژگی‌های زیر مربوط به کدام قلمرو زبانی، فکری و ادبی است؟ (۰/۷۵) (چهارمحال و بختیاری- مدرسهٔ فردوسی- دی ۹۷)

درهم آمیختگی مختصات نو و کهن:

توجّه به علوم بدیع بیان:

رواج روحیهٔ عرفانی و اخلاقی و اعتقاد به قضا و قدر:

۵ دو مورد از ویژگی‌های فکری سرودهٔ زیر را بنویسید. (۰/۵)

«یار بی‌پرده از در و دیوار در تجلّی است یا اولی‌الابصار»

۶ با توجّه به ویژگی‌های ادبی سبک خراسانی و عراقی، جدول زیر را کامل کنید. (۱)

خراسانی	عراقی
قصیده	.....
استفاده از آرایه‌های طبیعی	.....
قافیه و ردیف	قافیه و ردیف .....

۷ ✪ ویژگی‌های فکری شعر زیر را بررسی کنید. (۲)

چشم دل باز کن که جان بینی آن‌چه نادیدنی است آن بینی
گر به اقلیم عشق روی آری همه آفاق گلستان بینی
بر همه اهل این زمین به مراد گردش دور آسمان بینی
آن چه بینی دلت همان خواهد وان چه خواهد دلت، همان بینی
بی سر و پا گدای آنجا را سر ز مُلک جهان گران بینی

هاتف اصفهانی

---

۱ ساده (۰/۲۵) - فنی (۰/۲۵) ۲ هر مورد (۰/۲۵)

خراسانی	عراقی
معشوق زمینی	معشوق آسمانی
باور به اختیار و اراده	باور به قضا و قدر
رواج روحیهٔ پهلوانی و حماسی	رواج روحیهٔ عرفانی و اخلاقی
واقع‌گرایی	ذهن‌گرایی
وصال	فراق

۳ از نظر ادبی، در اندیشهٔ ادیبان این دوره صنایع ادبی جای تعمّق و تفکّر را گرفت (۰/۵)؛ امّا چون استعدادهای بزرگی در کار نبود، بیشتر به ظاهرسازی و تصنّع توجّه شد. (۰/۵) از نظر فکری به سبب انقراض فضلا و از بین رفتن کتابخانه‌ها، از صحّت و اتقان مطالب کاسته شد (۰/۵)؛ همچنین تحقیق و تتبّع بین علما و ادیبان سستی یافت و عرفا نیز اصالت خود را از دست دادند و به درست کردن عرفان و شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن پرداختند. (۰/۵) ۴ درهم آمیختگی مختصات نو و کهن: زبانی (۰/۲۵)، توجّه به علوم بدیع و بیان: ادبی (۰/۲۵)، رواج روحیهٔ عرفانی و اخلاقی (۰/۲۵) ۵ آسمانی بودن معشوق (۰/۲۵) - بازتاب مضامین عرفانی و معرفتی در باب شناخت حق (۰/۲۵)

@KonkurVIPBook

۶ (۱)

خراسانی	عراقی
قصیده	غزل
استفاده از آرایه‌های طبیعی	توجّه بیشتر به علوم بیان و بدیع
قافیه و ردیف بسیار ساده است.	قافیه و ردیف دشوار است.

۷ شاعر به حقیقت عرفان که دیدن جلوهٔ جمال پروردگار در همه چیز و همه جا و همه گاه است، اشاره می‌کند (۱) و می‌گوید که در سرزمین عشق، گردش آسمان و زمین بر وفق مراد عاشقان است و آنان به جهان و آنچه در اوست بی‌اعتنا هستند. (۱)

درس ۵: پایه‌های آوایی همسان (۱)

مفاهیم آموزشی

پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی، درمی‌یابیم که پایه‌های آوایی بیت‌ها به شکلی هماهنگ در پی هم می‌آیند. به بیت زیر توجّه کنید:

زهـی دریـای بی‌سـاحل، پـر از ماهـی درون دل　　چنیـن دریـا ندیدسـتم، چنیـن ماهـی نمی‌دانـم

پایه‌های آوایی	زِ هی دَر یا	یِ بی سا حِل	پُ زَز ما هی	دَ رو نِ دل
	چُ نین دَر یا	نَ دی دَس تَم	چُ نین ما هی	نِ می دا نَم
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن
نشانه‌های هجایی	U ـ ـ ـ	U ـ ـ ـ	U ـ ـ ـ	U ـ ـ ـ

✪ همان‌طور که در بیت بالا می‌بینید، هر مصراع به بخش‌ها و پایه‌های تکراری و منظّم چهار هجایی تقسیم شده است. این پایه‌های تکراری، همان «پایه‌های آوایی همسان» هستند.

نکته: زیر هر یک از پایه‌ها، معادل آوایی آن نوشته شده است که به آن «وزن واژه» یا «رکن» می‌گویند.

اکنون به این بیت توجّه کنید:

مسـلمانان مـرا وقتـی دلـی بـود　　کـه بـا وی گفتمـی گـر مشـکلی بـود

پایه‌های آوایی	مُ سَل ما نان	مَ را وَق تی	دِ لی بود	
	کِ با وِی گُف	تَ می گَر مُش	کِ لی بود	
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعی	
نشانه‌های هجایی	U ـ ـ ـ	U ـ ـ ـ	U ـ ـ ـ	

همان‌طور که می‌بینید، موسیقی و آهنگ این بیت با بیت پیشین همسان است و همان نظم را دارد و چینش پایه‌ها، با آن همگون است؛ اما تعداد پایه‌های آنها متفاوت است. هر مصراع این بیت از سه پایه یا رکن تشکیل شده است.

✪ گاهی فضای آوایی به‌گونه‌ای سامان می‌یابد که بافت موسیقیایی شعر، کوتاه‌تر و یکی از پایه‌های آوایی کاسته می‌شود. در چنین مواردی گاه «وزن واژه» هم دچار دگرگونی می‌شود و یک یا چند هجا از پایان آن می‌افتد.

اکنون به نمونه‌های دیگر از پایه‌های همسان توجّه کنید:

عاشـق و معشـوق را حایـل نباشـد در دو عالـم　　جان خـود را چـون حجاب ایـن آدمی در کار دارد

پایه‌های آوایی	عا شِ قُ مَع	شو ق را حا	یل نَ با شد	دَر دُ عا لم
	جا نِ خُد را	چُن حِ جا بی	نا دَ می در	کا ر دا زَد
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	ـ ـ U ـ	ـ ـ U ـ	ـ ـ U ـ	ـ ـ U ـ

@konkurVIPBook